



بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران

احمد علی پور^{*}، دکتر احمد علی نوربالا^{**}

چکیده

به منظور بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد ۱۰۱ دانشجوی کارشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و شاهد (۶۲ زن و ۳۹ مرد) با میانگین سنی ۲۲/۵ (با دامنه ۱۹-۳۹ سال) مورد بررسی قرار گرفتند. بررسی همسانی درونی مواد پرسشنامه نشان داد که تمام مواد ۲۹ گانه آن با نمره کل همبستگی بالایی دارند. آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و پایایی دو نیمه کردن آزمون ۰/۹۲ بود. همچنین پایایی بازآزمایی پرسشنامه پس از ۳ هفته (۲۵=۱۱) ۰/۷۹ بود. برای بررسی روایی صوری پرسشنامه از ۱۰ کارشناس نظرخواهی شد که همگی توان سنجش شادکامی را توسط این آزمون تأیید کردند. تحلیل عاملی به استخراج ۵ عامل انجامید که مجموعاً ۵۷/۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. این یافته با یافته‌های سازنده اصلی آزمون متفاوت است. با توجه به یافته‌های این بررسی به نظر می‌رسد که این پرسشنامه برای اندازه‌گیری شادکامی در جمعیت دانشجویان دانشگاه‌های تهران کارآیی مناسبی دارد.

کلید واژه: پرسشنامه شادکامی آکسفورد، پایایی، روایی، دانشجویان، تهران

در دو دهه گذشته پژوهش پیرامون شادکامی^(۱) افزایش چشمگیری یافته است. مایرز^(۲) (۱۹۹۳) در کتابی با عنوان "به دنبال شادکامی"^(۳) نوشته است: "تعداد مقالات منتشر شده درباره شادکامی از ۱۵۰ مقاله در سال ۱۹۷۹ به ۷۸۰ مقاله در یک دهه بعد افزایش یافته است." همچنین چندین کتاب در این باره منتشر شده است

* دانشجوی PhD روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، تقاطع بزرگراه جلال آل احمد و شهید چمران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه روانشناسی.

** روانپزشک عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران. تهران، خیابان کارگر جنوبی، پایین تر از چهارراه لشگر، بیمارستان روزبه.

1-happiness
2-Myers
3-the pursuit of happiness

(برینر^(۱)، ۱۹۹۸). فرانسیس^(۲) و همکاران (۱۹۹۸) با بررسی مقاله‌های منتشر شده از سال ۱۹۹۰ تا پایان سال ۱۹۹۵ دریافتند که اصطلاح افسردگی ۱۸۹۰۳ بار و واژه شادکامی تنها ۵۱۵ بار به کار برده شده‌اند. آرچیل^(۳)، مارتین^(۴) و لو^(۵) (۱۹۹۵) بر این باورند که هنگامی که از مردم پرسیده می‌شود منظور از شادکامی چیست، آنها دو نوع پاسخ را مطرح می‌کنند: الف) ممکن است حالات هیجانی مثبتی مانند لذت را عنوان کنند، یا اینکه ب) آنها راضی بودن از زندگی بطور کلی و یا بیشتر جنبه‌های آن بدانند. بنابراین به نظر می‌رسد که شادکامی دست کم دو جزء اساسی (عاطفی و شناختی) دارد. با وجود این شادکامی متضاد افسردگی نیست اما نبود افسردگی شرط لازم برای رسیدن به شادکامی است. به نظر آرچیل و همکاران (۱۹۹۵) اگر شادکامی تنها متضاد افسردگی باشد نیازی به اندازه‌گیری و بررسی آن نیست، زیرا افسردگی به خوبی شناخته شده است. وی باور دارد که سه جزء اساسی شادکامی عبارتند از: هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان‌ناات منفی از جمله افسردگی و اضطراب. او و همکارانش دریافتند که روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصی، دوست داشتن دیگران و طبیعت نیز از اجزاء شادکامی هستند. مایرز و داینر^(۶) (۱۹۹۵) می‌گویند وقتی از مردم پرسیده می‌شود فرد شادکام چه کسی است، در پاسخ به شبکه‌ای حمایتی از روابط در یک فرهنگ اشاره می‌کنند که به تفسیری مثبت و خوشبینانه از رویدادهای روزمره زندگی می‌انجامد. همچنین برخی از پژوهشگران از جمله شوارتز^(۷) و استراک^(۸) (۱۹۹۱) باور دارند که افراد شادکام کسانی هستند که در پردازش اطلاعات سوگیری دارند، این سوگیری در جهت خوشبینی و خوشحالی است؛ یعنی اطلاعات را به گونه‌ای پردازش و تفسیر می‌کنند که به خوشحالی آنها می‌انجامد. با توجه به توضیحات یاد شده به نظر می‌رسد شادکامی مفهومی است

که چندین جزء اساسی دارد. نخست آنکه جزئی عاطفی و هیجانی دارد که باعث می‌شود فرد شادکام همواره از نظر خلقی شاد و خوشحال باشد؛ دوم آنکه جزئی اجتماعی دارد که گسترش روابط اجتماعی با دیگران و افزایش حمایت اجتماعی را به دنبال دارد؛ سوم، جزئی شناختی دارد که موجب می‌گردد فرد شادکام نوعی تفکر و نوعی پردازش اطلاعات ویژه خود داشته باشد و وقایع روزمره را طوری تعبیر و تفسیر کند که خوشبینی وی را به دنبال داشته باشد. یکی از پرسشهای اساسی درباره شادکامی این است که آیا شادکامی حالتی^(۹) است که به رویدادها و موقعیت‌های زندگی مربوط می‌شود، به شخصیت فرد ارتباط دارد و یا اینکه نتیجه تعامل میان این دو است؟

بیشتر بررسیها (آرچیل و لو، ۱۹۹۰؛ کوستا^(۱۰) و مک کر^(۱۱)، ۱۹۸۰؛ فارنهام^(۱۲) و بروینگ^(۱۳)، ۱۹۹۰؛ فارنهام و چنگ^(۱۴)، ۱۹۹۷؛ هوتارد^(۱۵) و همکاران، ۱۹۸۹، مایرز و داینر، ۱۹۹۵) با این رویکرد انجام شده‌اند که شادکامی یک ویژگی شخصیتی است و در بسیاری از پژوهش‌ها از جمله پژوهش پاووت^(۱۶) و همکاران (۱۹۹۰)، آرچیل و لو (۱۹۹۰)، فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) روشن شده است که شادکامی همان برونگرایی با ثبات در نظریه آیزنک^(۱۷) است. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که برونگرایی قوی‌ترین پیش‌بینی کننده شادکامی به ویژه بخش اجتماعی آن است. آرچیل همبستگی ۰/۴۸ را بین مقیاس E

1-Brebner	2-Francis
3-Argyle	4-Martin
5-Lu	6-Diener
7-Schwartz	8-Strack
9-state	10-Costa
11-McCrae	12-Farnham
13-Browing	14-Cheng
15-Hotard	16-Pavote
17-Eysenck	

(برونگرایی) پرسشنامه آیزنک و پرسشنامه شادکامی آکسفورد^(۱) گزارش کرده است. کوستا و مک کر (۱۹۸۰) دریافتند که برونگرایی پیش بینی کننده عاطفه مثبت در ۱۰ سال بعد است (r=۰/۲۷). همچنین کوستا و دیگران (۱۹۸۱) دریافتند که برونگرایی، شادکامی و رضایت ۱۳ سال بعد را پیش بینی می کند (r=۰/۲۴). برنر (۱۹۹۸) نیز شادکامی را متغیری می داند که پایه ای زیست شناختی دارد و حالتی نیست که در اثر عوامل موقعیتی و محیطی ایجاد شده باشد. وی در مطالعه میان فرهنگی خود به این نتیجه رسید که در ملت ها و فرهنگ های گوناگون، در محیط ها و موقعیت های اجتماعی مختلف، مردم در زمینه شادکامی با هم متفاوتند و این تفاوت ها پایدار است. این پایداری تفاوت ها میان افراد، شادکامی را به ویژگی شخصیتی و نه حالت ساده متأثر از رخدادها پیوند می دهد. بنابراین شادکامی متغیری شخصیتی است که بر اساس نظریه آیزنک، می توان برای آن پایه ای زیست شناختی نیز در نظر گرفت.

برای اندازه گیری شادکامی روش های گوناگونی به کار برده شده است. این روشها طیف گسترده ای از قضاوت دوستان و آموزگاران تا پرسشنامه های خودسنجی دارند. برخی از ابزارهای پرسشنامه ای که برای اندازه گیری شادکامی به کار می روند، عبارتند از: پرسشنامه حالات شخصی^(۲) که توسط برنر و مارتین (۱۹۹۵) تهیه شده، پرسشنامه شخصیتی آیزنک^(۳)، پرسشنامه شخصیتی نئو^(۴) و پرسشنامه شادکامی آکسفورد. در میان این پرسشنامه ها پرسشنامه شادکامی آکسفورد جایگاه ویژه ای دارد و در پژوهشهای چندی به کار رفته است. این ابزار در سال ۱۹۸۹ توسط آرجیل و لو تهیه شده است. چون آزمودن بک^(۵) یکی از موفق ترین مقیاس های افسردگی بوده است، آرجیل پس از رایزنی با بک بر آن شد تا جملات مقیاس افسردگی بک را معکوس کند، برای نمونه نخستین ماده مقیاس بک پس از معکوس شدن به شکل زیر درآمد:

احساس خوشحالی نمی کنم، تا حدی احساس خوشحالی می کنم، بسیار خوشحالم و فوق العاده خوشحالم. بدین ترتیب ۲۱ ماده تهیه شد. سپس ۱۱ ماده به آنها افزوده شد تا سایر جنبه های شادکامی را دربرگیرند. سپس این مقیاس ۳۲ ماده ای روی ۸ دانشجوی اجرا شد و از دانشجویان خواسته شد تا گزینه ها را مرتب کنند و درباره روایی صوری پرسشها نیز قضاوت کنند. این امر سبب تغییر برخی مواد آزمون و حذف سه ماده نیز گردید. بنابراین فرم نهایی پرسشنامه ۲۹ ماده دارد. پس از انتشار این پرسشنامه پژوهشهای زیادی درباره آن انجام شد. آرجیل و همکاران ضریب آلفای ۰/۹۰ را با ۳۴۷ آزمودنی، فارنهام و بروینگ (۱۹۹۰) آلفای ۰/۸۷ را با ۱۰۱ آزمودنی و نور^(۶) (۱۹۹۳) با فرم کوتاهتری از پرسشنامه شادکامی آکسفورد آلفای ۰/۸۴ را با ۱۸۰ آزمودنی بدست آورده اند. در بررسی فرانسویس (۱۹۹۸) آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بدست آمده است. همچنین فرانسویس در یک بررسی میان فرهنگی در کشورهای انگلیس، آمریکا، استرالیا و کانادا به ترتیب ضرایب آلفای ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۹ را گزارش کرده است. سایر پژوهشها نیز گویای آن هستند که پایایی بازآزمایی^(۷) این پرسشنامه در سطح پذیرفتنی است. در بررسیهای چندی پایایی بازآزمایی ۰/۸۱ پس از ۴ ماه، ۰/۶۷ پس از ۵ ماه و ۰/۵۳ پس از ۶ ماه گزارش شده است. نور با فرمی کوتاهتر پایایی ۰/۷۱ را پس از ۸ ماه گزارش کرده است. والیان^(۸) (۱۹۹۳) ضمن بدست آوردن پایایی بازآزمایی ۰/۸۳ پس از سه هفته دریافت که پایایی بازآزمایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد از پایایی پرسشنامه سلامت

- 1-Oxford Happiness Inventory
- 2-Personal States Questionnaire
- 3-Eysenck Personality Inventory
- 4-NEO Personality Inventory
- 5-Beck
- 6-Noor
- 7-Test-retest-reliability
- 8-Valliant

عمومی و مقیاس افسردگی یک نیز بیشتر است.

برای بررسی روایی این پرسشنامه با استفاده از قضاوت دوستان دو بررسی انجام شده است. آرجیل، مارتین و کروسلند^(۱) (۱۹۸۹) از دانشجویان خواستند تا دوستانشان را بر اساس یک مقیاس ده درجه‌ای از شادکامی درجه بندی کنند که همبستگی میان این درجه بندی و پرسشنامه شادکامی آکسفورد، ۰/۴۳ بود. بررسی والیانت (۱۹۹۳) نیز همبستگی ۰/۶۴ و ۰/۴۹ را میان درجه بندی دوستان و نمره پرسشنامه شادکامی آکسفورد گزارش کرده است.

هرچند آلفای کرونباخ پرسشنامه شادکامی آکسفورد بالاست و از این رو نباید انتظار داشت که در این آزمون عوامل بی‌شماری وجود داشته باشد اما در نخستین پژوهش آرجیل و همکاران (۱۹۸۹) هفت عامل زیر بدست آمده است: شناخت مثبت، تعهد اجتماعی، خلق مثبت، احساس کنترل، سلامت بدنی، رضایت از خویشتن و هشیاری روانی. آلفای این عوامل از ۰/۶۴ تا ۰/۸۴ بوده است. نور (۱۹۹۳) در بررسی دیگری شناخت مثبت و خلق مثبت را یک عامل دانسته و فارنهام و بروینگ (۱۹۹۰) با تحلیل عاملی تنها به سه عامل دست یافته‌اند. بنابراین تحلیل عوامل همواره دستاورد یکسانی نداشته است. از نظر روایی سازه نیز روشن شده است که بر اساس تشخیص سه جزء فرضی شادکامی، همبستگی پرسشنامه شادکامی آکسفورد با مقیاس عاطفه برادبورن^(۲) ۰/۳۲، همبستگی با مقیاس رضایت از زندگی آرجیل ۰/۵۷ و همبستگی با مقیاس افسردگی یک ۰/۵۲- بوده است. همچنین پژوهشها نشان داده‌اند که نمره این مقیاس با عزت نفس^(۳) (لو و آرجیل، ۱۹۹۱)، سبکهای مقابله‌ای^(۴) (ریم^(۵)، ۱۹۹۳)، منبع مهار (کنترل)^(۶) (نور، ۱۹۹۳) و مذهبی بودن^(۷) (رابینز^(۸)، فرانسیس ۱۹۹۶؛ فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۸) همبستگی معنی داری دارد.

درباره تأثیر سن و جنسیت نیز پژوهشها یافته‌های

گونگونگی را گزارش کرده‌اند. پژوهش آرجیل و همکاران (۱۹۹۵) نشان داده است که با بالا رفتن سن میزان شادکامی اندکی کاهش می‌یابد. نمره‌های زنان نیز اندکی بیشتر از مردان گزارش شده است، اما برخی دیگر از پژوهشگران نیز در این زمینه یافته‌های دیگری را گزارش کرده‌اند. هدف بررسی حاضر بررسی مقدماتی پایایی و روایی این آزمون در گروهی از دانشجویان ایرانی است. به بیان دیگر پرسش اساسی این بوده است که آیا فرم فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد از پایایی و روایی مناسبی برای سنجش شادکامی دانشجویان برخوردار است یا خیر.

روش

آزمودنیهای پژوهش ۱۰۱ دانشجوی کارشناسی (۶۲ زن و ۳۹ مرد) دانشگاههای علامه طباطبایی و شاهد بودند که در سال تحصیلی ۷۸-۷۷ در رشته علوم تربیتی به تحصیل اشتغال داشتند. میانگین سنی آنها ۲۲/۵ سال و دامنه سنی آنها از ۱۹ تا ۳۹ سال بود. سن ۸۸/۱٪ آنها زیر ۳۰ سال و ۱۱/۹٪ آنها ۳۹-۳۰ سال بود. همچنین ۶۹ تن از آنها مجرد و بقیه متأهل بودند. انتخاب آزمودنیها با روش خوشه‌ای تصادفی انجام گرفت.

ابزار به کار برده شده در این پژوهش پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI) بود. این پرسشنامه ۲۹ ماده چهارگزینه‌ای دارد که گزینه‌های آن به ترتیب از ۰ تا ۳ نمره گذاری می‌شوند و جمع نمرات مواد ۲۹ گانه، نمره کل مقیاس را تشکیل می‌دهد. نمره کل آزمودنیها از ۰ تا ۸۷ در نوسان است. همان طور که پیشتر توضیح داده شد آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۹۰ و پایایی بازآزمایی آن پس از ۷ هفته، ۰/۷۸ بوده است. همبستگی آن با درجه

1-Crossland

3-self-esteem

5-Rim

7-religiosity

2-Bradburn

4-coping styles

6-locus of control

8-Robbins

بندی دوستان ۰/۴۳ بود. در این پژوهش از فرم فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده شده است.

برای اجرای پژوهش نخست پرسشنامه شادکامی آکسفورد به فارسی ترجمه شد و درستی برگردان آن توسط ۸ متخصص (روانشناس و روانپزشک) تأیید گردید. سپس ۱۰ آزمون بصورت مقدماتی روی ۱۰ دانشجو اجرا شد. از دانشجویان خواسته شد تا اشکالات احتمالی آن را مشخص کنند. آن گاه بر پایه پیشنهادها دانشجوین برخی از مواد تصحیح شدند و فرم نهایی روی ۱۰۱ دانشجوی کارشناسی اجرا گردید. بر اساس راهنمای پرسشنامه از آزمودنی‌ها خواسته شد تا جمله‌های هر یک از مواد آزمون را به ترتیب و به دقت بخوانند و جمله‌ای را که بهتر از همه احساس آنها را در روزهای اخیر مشخص می‌کند، انتخاب کنند. همچنین از دانشجویان خواسته شد تا درباره جملات مواد آزمون زیاد فکر نکنند و نخستین حدس خود را به عنوان پاسخ برگزینند و اگر درباره چند جمله مردد بودند، همه آنها را علامت بزنند. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها داده‌های پژوهش به کمک روشهای آمار توصیفی و ضریب همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگیهای آماری مواد ۲۹ گانه آزمون و نمره کل آزمون آورده شده است.

میانگین مواد ۲۹ گانه پرسشنامه از ۰/۰۶ (ماده ۲۱) تا ۱/۹۹ (ماده شماره ۲۵) در نوسان بوده است. انحراف استاندارد مواد ۲۹ گانه نیز از ۰/۶۳ (ماده ۲۳) تا ۱/۰۳ (ماده ۱۱) بود. میانگین و انحراف استاندارد نمره کل مقیاس به ترتیب ۴۵/۸۰ و ۱۳/۳۳ محاسبه گردید. همانطور که ملاحظه می‌شود همه ۱۰۱ آزمودنی به تمام مواد ۲۹ گانه مقیاس پاسخ داده‌اند.

در مرحله بعد همسانی درونی آزمون یعنی همبستگی

جدول ۱- مشخصات آماری مواد و نمره کل پرسشنامه شادکامی آکسفورد (N=۱۰۱)

شماره مواد	میانگین	انحراف استاندارد
۱	۱/۲	۰/۶۵
۲	۱/۶۵	۰/۹۳
۳	۱/۸۳	۰/۸۲
۴	۱/۷۷	۰/۶۹
۵	۱/۶۹	۰/۹۱
۶	۱/۳۹	۰/۸۲
۷	۱/۵۶	۰/۶۳
۸	۱/۸۲	۰/۹۶
۹	۱/۷۲	۰/۷
۱۰	۱/۳۳	۰/۸۷
۱۱	۱/۷	۱/۰۳
۱۲	۱/۶	۰/۸۴
۱۳	۱/۵۷	۰/۶۵
۱۴	۱/۹۶	۰/۸۳
۱۵	۱/۷۴	۰/۸۲
۱۶	۱/۵۳	۰/۶۷
۱۷	۱/۶۲	۰/۷۱
۱۸	۱/۲۶	۰/۷۱
۱۹	۱/۵	۰/۶۱
۲۰	۱/۵۲	۰/۷۶
۲۱	۱/۰۶	۰/۹۳
۲۲	۱/۵۴	۰/۶۷
۲۳	۱/۶	۰/۶۳
۲۴	۱/۶۹	۰/۹۶
۲۵	۱/۹۹	۰/۷۵
۲۶	۱/۴۶	۰/۷۶
۲۷	۱/۶۸	۰/۷
۲۸	۱/۳۴	۰/۶۶
۲۹	۱/۳۷	۰/۶۴
نمره کل	۴۵/۸	۱۳/۳۳

بین مواد ۲۹ گانه و نمره کل آزمون محاسبه شده است. همچنین آلفای کرونباخ برای مقیاس ۰/۹۳ بدست آمده و تغییر این آلفا صورت حذف هر یک از مواد ۲۹ گانه مشخص شده است. این اطلاعات در جدول ۲ آورده شده است. همان گونه که در جدول دیده می شود، همبستگی مواد ۲۹ گانه آزمون با نمره کل از ۰/۴۰ (ماده ۲۲) تا

جدول ۲- همبستگی مواد آزمون با نمره کل و تأثیر حذف هر یک از مواد در آلفای کرونباخ

شماره	ماده	همبستگی با نمره کل	آلفای کرونباخ در صورت حذف ماده
۱	من فوق العاده خوشحالم [#]	۰/۵۸	۰/۹۳
۲	احساس می کنم آینده سرشار از امید و خوشحالی است	۰/۶۷	۰/۹۲
۳	در مجموع از همه چیز زندگیم راضیم	۰/۵۹	۰/۹۲
۴	احساس می کنم کلاً بر تمام جنبه های زندگیم کنترل دارم	۰/۶۷	۰/۹۲
۵	احساس می کنم زندگی سرشار از دلگرمی و تشویق است	۰/۶۸	۰/۹۲
۶	از وضعی که در آن هستم کاملاً لذت می برم	۰/۷	۰/۹۲
۷	همیشه تأثیر خوبی روی وقایع زندگیم دارم	۰/۵۹	۰/۹۲
۸	من به زندگی عشق می ورزم	۰/۶۵	۰/۹۲
۹	به دیگران علاقه بسیار زیادی دارم	۰/۵۱	۰/۹۳
۱۰	هر نوع تصمیم گیری برایم آسان است	۰/۴۴	۰/۹۳
۱۱	احساس می کنم توانایی انجام هر کاری را دارم	۰/۵۹	۰/۹۳
۱۲	همواره با احساس راحتی از خواب بیدار می شوم	۰/۵۲	۰/۹۳
۱۳	احساس می کنم انرژی بی پایانی دارم	۰/۵۸	۰/۹۲
۱۴	همه جهان به نظرم زیباست	۰/۶۶	۰/۹۲
۱۵	احساس می کنم کاملاً هشیار هستم	۰/۵۸	۰/۹۲
۱۶	آنقدر سلامت هستم که گویی در نقطه اوج جهان قرار دارم	۰/۶۶	۰/۹۲
۱۷	من هر کسی را دوست دارم	۰/۵۷	۰/۹۳
۱۸	همه وقایع گذشته برایم خوشایند هستند	۰/۴۲	۰/۹۳
۱۹	همیشه حالت لذت و شادی دارم	۰/۷۳	۰/۹۲
۲۰	من هر چیزی را که خواسته ام انجام داده ام	۰/۶۵	۰/۹۲
۲۱	همیشه وقتم را بسیار خوب تنظیم می کنم	۰/۵۶	۰/۹۳
۲۲	همیشه با دیگران شوخی می کنم	۰/۴	۰/۹۳
۲۳	همیشه روی دیگران تأثیر خوبی دارم	۰/۶۳	۰/۹۲
۲۴	زندگی ام کاملاً معنی دار و هدفمند است	۰/۶۷	۰/۹۲
۲۵	من همیشه متعهد و پایبند هستم	۰/۵۱	۰/۹۳
۲۶	فکر می کنم دنیا جایی عالی است	۰/۵۷	۰/۹۳
۲۷	همیشه خندانم	۰/۴۷	۰/۹۳
۲۸	فکر می کنم بسیار جذاب هستم	۰/۶۱	۰/۹۲
۲۹	من با هر چیزی سرگرم می شوم	۰/۵۴	۰/۹۳

در این جدول چهارمین جمله ماده های پرسشنامه آورده شده است.

۰/۷۳ (ماده ۱۹) در نوسان است. همچنین بررسی تأثیر هر یک از مواد آزمون در نمره کل نشان داده است که همبستگی هر ماده با نمره کل بالاست و صرف نظر از تفاوت این همبستگی سهم هر یک از مواد آزمون در نمره کل مقیاس تقریباً برابر است. در صورت حذف هر یک از مواد آزمون، آلفای کرونباخ در حد معنی داری افزایش نمی‌یابد از این رو حذف هیچ یک از مواد آزمون ضروری نیست.

در مرحله بعد پایایی آزمون به روشهای دیگری نیز بررسی شد. با روش دو نیمه کردن مشخص شد که همبستگی بین فرمها ۰/۵۸ است. به کمک روش اسپیرمن براون برای مواردی که طول دو نیمه مساوی است و همچنین برای مواردی که طول دو نیمه نامساوی است ضریب همبستگی ۰/۹۲ بدست آمد. ضریب همبستگی دو نیمه کردن به روش گوتمن نیز ۰/۹۱ بود. نیمه اول شامل ۱۵ ماده و نیمه دوم شامل ۱۴ ماده بود. آلفای کرونباخ برای دو نیمه ۱ و ۲ نیز به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۶ بود. پایایی این پرسشنامه در بازآزمایی با فاصله زمانی ۳ هفته بر روی ۲۵ نفر ۰/۷۹^۲ بود. هر چند حجم نمونه برای بازآزمایی کم است اما این همبستگی قابل قبول به نظر می‌رسد.

تأثیر جنسیت بر پاسخ افراد به پرسشنامه نیز مورد بررسی قرار گرفته که داده‌های به دست آمده از این بررسی در جدول ۳ آمده است. همان طور که جدول نشان می‌دهد، جنسیت تأثیر معنی داری بر پاسخها نداشته است.

جدول ۳- فراوانی، میانگین، انحراف معیار و آلفای کرونباخ نمرات آزمودنیهای پژوهش بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	میانگین	واریانس	آلفای کرونباخ
مرد	۳۹	۴۵/۵۳	۱۲/۹۴	۰/۹۴
زن	۶۲	۴۵/۹۶	۱۳/۶۷	۰/۹۴

به منظور بررسی روایی صورتی پرسشنامه از ۱۰ متخصص (روانشناس و روانپزشک) نظر خواهی شد که همگی توانایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد را برای سنجش شادکامی در دانشجویان تأیید کردند. همچنین به منظور بررسی روایی عاملی (که شکلی از روایی سازه است) از روش تحلیل عوامل^(۱) استفاده شد. معمولاً هنگامی که مقدار آلفای کرونباخ بالاست از نظر منطقی نباید انتظار داشت که آزمون عوامل گوناگونی را بسنجد اما در اینجا چون سازنده پرسشنامه از روش تحلیل عوامل استفاده کرده است، ما نیز همین روش را به کار بسته‌ایم. تحلیل عاملی نمرات همه پاسخگویان به پرسشنامه شادکامی آکسفورد با بهره‌گیری از روش استخراج مؤلفه‌های اصلی^(۲) و چرخش و ریماکس^(۳) انجام شد. در این تحلیل عاملی مقادیر ویژه^(۴) بالاتر از ۱ در نظر گرفته شد و ۵ عامل استخراج شدند. در جدول ۴ همبستگی‌های معنی دار، چرخشی و بالاتر از ۰/۳۰ مواد ۲۹ گانه آزمون با عوامل پنج گانه آورده شده است. در جدول ۵ نیز مواد مربوط به هر عامل، مقادیر ویژه هر عامل، درصد واریانس تبیینی و درصد تراکمی واریانس تبیینی توسط عوامل پنج‌گانه آمده است.

همان طور که جدول‌های ۴ و ۵ نشان می‌دهند همه مواد یا پرسشهای آزمون در عوامل پنجگانه جای می‌گیرند. ماده شماره ۱۴ در عاملهای ۱ و ۲ و ماده شماره ۸ در عامل‌های ۱ و ۳ جای گرفته‌اند. عامل ۱ دارای یازده پرسش، عامل ۲ دارای هشت پرسش، عامل ۳ دارای شش پرسش، عامل ۴ دارای چهار پرسش و عامل ۵ دارای دو پرسش است. عوامل پنجگانه توانسته‌اند ۵۷/۱٪ واریانس کل را تبیین کنند. آلفای کرونباخ برای عوامل پنجگانه به ترتیب عبارت از ۰/۸۹، ۰/۸۴، ۰/۸۱، ۰/۶۸ و ۰/۵۸ می‌باشد.

1-factor analysis 2-principal component
3-varimax 4-eigenvalue

جدول ۴- ماتریس چرخشی عوامل

مواد	عامل یک	عامل دو	عامل سه	عامل چهار	عامل پنج
۱	۰/۳۶۰۰۰	-	۰/۵۰۰۰۵	-	۰/۳۲۵۵۲
۲	۰/۵۱۳۷۳	-	-	-	-
۳	۰/۶۰۹۳۹	-	-	۰/۳۰۱۶۲	-۰/۳۴۴۱۵
۴	۰/۵۰۴۵۵	-	۰/۲۳۳۷۶	-	-
۵	۰/۷۲۲۷۹	-	-	-	-
۶	۰/۶۰۸۲۷	-	-۰/۲۵۵۴۳	-	-
۷	-	-	۰/۷۱۰۹۰	۰/۳۰۰۵۴	-
۸	۰/۴۶۴۰۰	-	۰/۲۸۰۶۸	-	-
۹	۰/۳۲۲۹۱	۰/۲۹۱۳۵	-	-	-
۱۰	-	-	-	-	۰/۶۵۳۳۶
۱۱	۰/۲۴۴۲۲	-	-	-	۰/۶۴۲۴۹
۱۲	-	-	-	۰/۵۶۲۶۵	-
۱۳	-	۰/۵۳۲۵۷	-	-	۰/۴۵۵۰۹
۱۴	۰/۵۰۵۸۷	۰/۵۵۹۹۴	-	-	-
۱۵	۰/۴۶۱۱۱	-	-	۰/۳۷۵۶۰	-
۱۶	-	۰/۳۶۷۹۶	۰/۵۸۱۶۳	۰/۳۰۷۸۳	-
۱۷	-	۰/۶۴۲۵۸	-	-	-
۱۸	-	-	-	۰/۷۳۲۹۴	-
۱۹	۰/۳۲۲۶۶	۰/۵۱۹۰۳	۰/۳۵۸۸۵	۰/۳۵۱۳۰	-
۲۰	۰/۳۳۹۵۰	-	۰/۳۱۶۵۲	۰/۵۵۳۱۶	-
۲۱	۰/۳۰۳۵۲	-	-	۰/۵۱۱۳۳	۰/۳۵۹۷۴
۲۲	-	۰/۷۴۸۹۷	-	-	-
۲۳	-	۰/۳۰۴۸۵	۰/۶۱۸۹۴	-	۰/۳۴۹۱۵
۲۴	۰/۵۷۵۸۷	-	۰/۴۷۶۷۷	-	-
۲۵	۰/۷۶۳۰۶	-	-	-	-
۲۶	۰/۵۵۱۳۳	-	-	-	-
۲۷	-	۰/۶۷۰۰۰	-	-	-
۲۸	-	-	۰/۶۵۱۸۹	-	-
۲۹	-	۰/۶۴۰۷۶	-	۰/۳۷۹۴۱	-

Andeesheh
Va
Raftar
اندیشه و رفتار

۶۲

سال پنجم، شماره ۱، زمستان و پاییز ۱۳۷۸
Vol. 5/NO. 1&2/Summer & Fall, 1999

جدول ۵- عوامل و مواد مربوط به آنها

عوامل و مواد	ویژه	واریانس	درصد	درصد تراکمی	آلفای کرونباخ
عامل یک: ۴،۳،۲، ۱۵، ۱۴، ۱۶، ۵، ۲۶، ۲۵، ۲۴	۱۰/۳۸	۳۵/۸	۳۵/۸	۳۵/۸	۰/۸۹
عامل دو: ۱۳، ۹، ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۲۹، ۲۷	۲/۰۷	۷/۲	۴۳	۷۸/۲	۰/۸۴
عامل سه: ۸، ۷، ۱، ۲۸، ۲۳، ۱۶	۱/۵۲	۵/۳	۴۸/۲	۸۱/۲	۰/۸۱
عامل چهار: ۱۲، ۲۱، ۲۰، ۱۸	۱/۴۶	۵/۱	۵۳/۳	۶۸/۳	۰/۶۸
عامل پنج: ۱۱، ۱۰	۱/۱۰	۳/۸	۵۷/۱	۵۸/۱	۰/۵۸

بحث در یافته‌ها

همان طور که بیان گردید میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در پرسشنامه شادکامی آکسفورد در پژوهش حاضر ۴۵/۸ بود که در مقایسه با میانگین‌های گزارش شده در پژوهش‌های دیگران بیشتر است. در پژوهش آرچیل (۱۹۹۰) میانگین به دست آمده ۳۵/۶ بوده است. در پژوهش فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) در کشورهای آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا میانگین به دست آمده از ۳۸ تا ۴۲ گزارش شده است که در مقایسه با میانگین بدست آمده در پژوهش حاضر پایین‌تر هستند. بر پایه پژوهش‌های مختلف از جمله پژوهش آرچیل و لو (۱۹۹۰) شادکامی با روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی ارتباط دارد و چون در جامعه ما شبکه روابط اجتماعی افراد گسترده‌تر است از این رو نمره‌های افراد در شادکامی نیز بیش از نمره‌های شادکامی بررسی‌های یاد شده است. از سوی دیگر پژوهش‌های دیگری از جمله پژوهش رابینز و

فرانسیس (۱۹۹۶) و پژوهش فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که شادکامی با مذهبی بودن ارتباط دارد و چون جامعه ما نسبت به جوامع غربی (همچون انگلیس و آمریکا) مذهبی‌تر است، پیش بینی می‌شود که نمرات شادکامی پاسخگویان در ایران بیشتر باشد. برخی از ویژگی‌هایی که پرسشنامه شادکامی آکسفورد می‌سنجد، در جامعه ما ارزش تلقی می‌شوند. به همین دلیل ممکن است برخی از پاسخگویان صرفاً به دلیل ارزش بودن آن ویژگی‌ها - نه دارا بودن آنها - به پرسشنامه پاسخ داده باشند. در نتیجه میانگین نمرات آنها افزایش یافته باشد. البته نگاهی گذرا به میانگین مواد پرسشنامه نشان می‌دهد که در آزمودنی‌های ایرانی میانگین پرسشهایی که بعد شناختی - نه عاطفی - شادکامی را می‌سنجد بالاتر است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ $0/93$ بدست آمد که در مقایسه با پژوهش‌های دیگران بالاتر است. آرجیل (۱۹۹۰) آلفای $0/90$ ، فارنهام و بروینگ (۱۹۹۰) آلفای $0/87$ و فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) آلفای $0/89$ و $0/90$ را بدست آورده‌اند. هر چند تفاوت آلفای بدست آمده در این پژوهش و سایر پژوهش‌ها صرف نظر از تفاوت‌های فرهنگی ممکن است به حجم نسبتاً کم نمونه در پژوهش حاضر مربوط باشد، اما در پژوهش فارنهام و بروینگ (۱۹۹۰) نیز حجم نمونه با حجم نمونه این پژوهش یکی است. به هر روی این بررسی نشان داد که همسانی درونی پرسشنامه بالاست و می‌توان از آن در جمعیت ایرانی استفاده کرد. آرجیل ولو (۱۹۹۰) پایایی بازآزمایی $0/78$ را پس از ۶ هفته و $0/67$ را پس از ۵ ماه برای این آزمون گزارش کرده‌اند. پژوهشگران دیگر نیز پایایی بالاتر از $0/78$ را گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر با نمونه بسیار کم ($N=25$) پایایی $0/79$ پس از سه هفته بدست آمد. هر چند این رقم قابل قبول است اما تکرار چنین پژوهشی با حجم نمونه بیشتر ضروری است. بررسی همبستگی میان پرسشهای (مواد) آزمون و نمره

کل نیز نشان داد که هر یک از مواد آزمون همبستگی بالایی (از $0/40$ تا $0/73$) با نمره کل دارند که در مقایسه با بررسی فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) یافته‌های این بررسی بهتر است. زیرا در بررسی فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) در کشورهای آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا حتی همبستگی $0/20$ نیز گزارش شده و هیچ همبستگی‌ای بالاتر از $0/50$ نبوده است. البته حجم نمونه این پژوهش در مقایسه با پژوهش یاد شده کمتر است. بررسی همسانی درونی نشان داد که همه پرسشها نقش تقریباً یکسانی در نمره کل دارند و در صورت حذف هر یک، آلفا بطور معنی داری افزایش نمی‌یابد؛ از این رو نیازی به تغییر و یا حذف مواد آزمون نیست.

در رابطه با تأثیر جنسیت در نتایج پرسشنامه نیز برای زنان میانگین 46 و برای مردان میانگین $45/5$ بدست آمد که از نظر آماری تفاوت آنها معنی دار نیست. این نتیجه با نتیجه مطالعه فارنهام و بروینگ (۱۹۹۰) و مطالعه فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) هماهنگ اما با یافته‌های پژوهش آرجیل و لو (۱۹۹۰) همسو نیست. بررسیهای انجام شده در این زمینه یافته‌های متفاوتی را گزارش کرده‌اند اما بیشتر آنها تفاوت معنی داری میان نمره‌های زنان و مردان گزارش نکرده‌اند. در بررسی حاضر آلفای کرونباخ در نمونه مردان و نمونه زنان نیز برابر $0/94$ بوده است. بررسی پایایی صوری پرسشنامه نیز نشان داد که این آزمون توان سنجش متغیر شادکامی را بر اساس مولفه‌های فرضی آن دارد. تحلیل عوامل نیز به استخراج ۵ عامل انجامید.

هیلز^(۱) و آرجیل (۱۹۹۸) در تحلیل عاملی خود هفت عامل زیر را بدست آورده‌اند: رضایت از زندگی، کارآمدی، اجتماعی بودن، شناخت مثبت، سلامت، شادمانی و عزت نفس. این عوامل $56/3\%$ واریانس کل را تبیین می‌کردند.

فارنهام و بروینگ (۱۹۹۰) در پژوهش دیگری بر ۳ عامل پیشرفت شخصی، لذت و سرگرمی در زندگی و سلامتی تأکید کرده‌اند. نور (۱۹۹۳) نیز در پژوهش دیگری شناخت اجتماعی و خلق مثبت را تنها یک عامل دانسته است. نگاهی به پژوهش‌های تحلیل عاملی درباره پرسشنامه شادکامی آکسفورد نشان می‌دهد که یافته‌های چنین پژوهش‌هایی متفاوت و گاه متناقض بوده است. در پژوهش حاضر ۵ عامل بدست آمد که این پنج عامل رویهمرفته ۵۷/۱٪ واریانس کل را تبیین می‌کنند. همه پرسشها در عوامل پنجگانه جای دارند و دو پرسش شماره ۸ و ۱۴ هر کدام در دو عامل قرار گرفتند. بررسی ترکیب پرسشهای هر عامل، تفاوت‌های فرهنگی را در یافته‌های این آزمون نشان داد. یعنی ترکیب پرسشهای عوامل پنجگانه به گونه‌ای است که نامگذاری و تفسیر روان شناختی آنها بسیار مشکل است. برای نمونه در پژوهش هیلز و آرچیل (۱۹۹۸) خندیدن، سرگرم شدن با اشیاء و شوخی کردن با دیگران یک عامل را تشکیل داده‌اند؛ اما در پژوهش حاضر این ۳ ماده همراه با علاقه به دیگران، احساس انرژی زیاد، زیبا دانستن جهان، دوست داشتن دیگران و لذت و شادی در یک عامل (۲) قرار گرفته‌اند. با اندکی چشم پوشی می‌توان عوامل پنجگانه را به ترتیب به رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس نامگذاری کرد. این عامل‌ها جمعاً ۵۷/۱٪ واریانس کل را تبیین می‌کنند که در مقایسه با بررسی آرچیل، نتیجه قابل قبولی است. به هر حال مشکل بودن تفسیر روان شناختی عوامل از پایایی و روایی آزمون نمی‌کاهد، چرا که وقتی آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۹۰ است کل آزمون در واقع یک متغیر یا یک عامل (شادکامی) را می‌سنجد. با توجه به نتایج بدست آمده، می‌توان از پرسشنامه شادکامی آکسفورد برای سنجش شادکامی در دانشجویان و احتمالاً جوانان ایرانی استفاده کرد. اما برای اطمینان بیشتر لازم است این پژوهش با حجم نمونه بیشتر و در گروهها و طبقه‌های گوناگون جامعه

تکرار گردد تا با اطمینان بیشتر برای سنجش موضوع یاد شده به کار گرفته شود. چنین پژوهشهایی راه را برای بررسی دقیق‌تر شادکامی در کشور ما باز خواهد کرد و افق‌های نوینی را در این زمینه به روی پژوهشگران علاقمند خواهد گشود.

منابع

- Argyle, M., Martin, M., & Crossland, J. (1989). Happiness as a function of personality and social encounters. In J. P. Forgas, & J. M., Innes, (Eds.). *Recent advances in social psychology: An international perspective*. North Holland: Elsevier.
- Argyle, M., & Lu, L. (1990). The happiness of extraverts. *Personality and Individual Differences*, 11, 1011-1017.
- Argyle, M., Martin, M., & Lu, L. (1995). Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. In C.D. Spielberger, & I.G. Sarason, (Eds.), *Stress and emotion*, Washington, DC: Taylor & Francis.
- Beck, T., Ward, C. H., Mendelson, M., Hock, J., & Erbouj, J. (1961). An inventory for measuring depression, *Archives of General Psychiatry*, 7, 158-216.
- Brebner, J., & Martin, M. (1995). Testing for stress and happiness: The role of personality factors. In C.D. Spielberger, I. R. Sarason, J. Brebner, E. Greenglass, P. Laungani and A. O'Roak (Eds.), *Stress and emotion* (pp. 139-172). Washington D. C.: Taylor & Francis.
- Brebner, J. (1998). Happiness and personality. *Personality and Individual Differences*, 25, 279-296.
- Costa, P.T., & McCrae, R.R. (1980). Influence of extraversion and neuroticism on subjective wellbeing,

Journal of Personality and Social Psychology, 338, 668-678.

Eysenck, H. J. (1999). Dimensions of personality: Criteria for taxonomic paradigm. *Personality and Individual Differences*, 12, 773-790.

Francis, L. J., Brown, I. B., Lester, D., & Philipchalk, R. (1998). Happiness as stable extraversion: a cross-cultural examination of the reliability and validity of the Oxford Happiness Inventory among students in the U.K., U.S.A., Australia, and Canada. *Personality and Individual Differences*, 24, 167-171.

Furnham, A., & Brewing, C. (1990). Personality and happiness. *Personality & Individual Differences*, 11, 1093-1096.

Furnham, A., & Cheng, H. (1997). Personality and happiness. *Psychological Reports*, 80, 761-762.

Hills, P., & Argyle, M. (1998). Positive moods derived from leisure and their relationship to happiness and personality. *Personality and Individual Differences*, 25, 523-535.

Hotard, S. R., & McFatter, R.M. (1989). Interactive effects of extraversion, neuroticism, and social relationship on subjective well-being, *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 321-331.

Myers, D. G. (1993). The pursuit of happiness. London: Aauarian.

Myers, D. G., & Diener, E. (1995). Who is happy? *Psychological Science*, 6, 10-19.

Noor, N.M. (1993). Work and family roles in relation to women's well-being. Unpublished Ph.D. dissertation, University of Oxford.

Pavot, W., Diener, E.D. & Fujita, F. (1990). Extraversion

and happiness. *Personality and Individual Differences*, 11, 1299-1306.

Rim, Y. (1993). Happiness and coping styles. *Personality and Individual Differences*, 14, 617-618.

Robbins, M., & Francis, L. J. (1996). Are religious people happier: a study among undergraduates. In L. J. Francis, W.K. Kay & W.S. Campbell (Eds.), *Research in Religious Education* (pp. 207-217). Leominster: Gracewing.

Schwartz, N., & Strach, F. (1991). Evaluating one's life: a judgement model of subjective well-being. In F. Strack, M. Argyle and N. Schwartz (Eds.), *Subjective well-being* (pp. 27-47). Oxford: Pergamon.

Valiant, G. (1993). Life events, happiness and depression: The half empty cup. *Personality and Individual Differences*, 15, 447-453.